



بِسْمِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



# مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات عرب



تدوین: دکتر محمد صدری ارحامی

انتشارات چتر دانش



سرشناسه: صدری ارحامی، محمد، ۱۳۶۵ - گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات عرب/  
تدوین محمد صدری ارحامی.  
مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۱۷ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۶۸-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: ادبیات عربی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)  
Arabic literature-- Examinations, questions, etc. (Higher)  
ادبیات عربی -- راهنمای آموزشی (عالی)  
Arabic literature-- Study and teaching (Higher)  
رده بندی کنگره: PJ۷۵۰۵  
رده بندی دیویی: ۸۹۲/۷۰۷۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۹۶۴۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

- نام کتاب: مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات عرب
- ناشر: چتر دانش
- تدوین: دکتر محمد صدری ارحامی
- نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۳
- شمارگان: ۱۰۰۰
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۶۸-۹
- قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

# ناشر سخن

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

۱۰	جامد و مشتق .....
۱۱	سوالات جامد و مشتق .....
۱۵	پاسخ‌نامه جامد و مشتق .....
۱۷	مذکر و مؤنث (جنس) .....
۱۸	سوالات مذکر و مؤنث (جنس) .....
۱۹	پاسخ‌نامه مذکر و مؤنث (جنس) .....
۲۰	مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۱	سوالات مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۲	پاسخ‌نامه مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۳	نسبت .....
۲۳	سوالات نسبت .....
۲۵	پاسخ‌نامه نسبت .....
۲۷	مصغّر .....
۲۷	سوالات مصغّر .....
۲۸	پاسخ‌نامه مصغّر .....
۳۰	معرفه و نکره .....
۳۱	سوالات معرفه و نکره .....
۳۵	پاسخ‌نامه معرفه و نکره .....
۳۷	معرب و مبنی .....
۴۱	سوالات معرب و مبنی .....

٤٥	.....	پاسخ نامه عرب و مبنی
٤٩	.....	معلوم و مجهول
٥٠	.....	سؤالات معلوم و مجهول
٥٢	.....	پاسخ نامه معلوم و مجهول
٥٤	.....	ثلاثی مجرد و مزید
٥٥	.....	سؤالات ثلاثی مجرد و مزید
٥٨	.....	پاسخ نامه ثلاثی مجرد و مزید
٦٠	.....	رباعی
٦٠	.....	سؤالات رباعی
٦١	.....	پاسخ نامه رباعی
٦٢	.....	مضاعف
٦٢	.....	سؤالات مضاعف
٦٤	.....	پاسخ نامه مضاعف
٦٦	.....	مهموز
٦٧	.....	سؤالات مهموز
٦٨	.....	پاسخ نامه مهموز
٦٩	.....	معتل
٧٤	.....	سؤالات معتل
٧٧	.....	پاسخ نامه معتل
٧٩	.....	اعراب فعل مضارع
٨٣	.....	سؤالات اعراب فعل مضارع
٨٦	.....	پاسخ نامه اعراب فعل مضارع

۹۰	فاعل و نائب فاعل
۹۲	سوالات فاعل و نائب فاعل
۹۴	پاسخ نامه فاعل و نائب فاعل
۹۶	مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۹۹	سوالات مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۱۰۱	پاسخ نامه مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۱۰۴	نواسخ
۱۰۸	سوالات نواسخ
۱۱۱	پاسخ نامه نواسخ
۱۱۴	مفعول مطلق
۱۱۵	سوالات مفعول مطلق
۱۱۷	پاسخ نامه مفعول مطلق
۱۱۹	مفعول به
۱۲۰	سوالات مفعول به
۱۲۲	پاسخ نامه مفعول به
۱۲۴	مفعول فیہ
۱۲۶	سوالات مفعول فیہ
۱۲۷	پاسخ نامه مفعول فیہ
۱۲۹	مفعول له (لاجله)
۱۲۹	سوالات مفعول له (لاجله)
۱۳۰	پاسخ نامه مفعول له (لاجله)
۱۳۲	حال

سؤالات حال	١٣٤
پاسخنامه حال	١٣٦
تمییز	١٣٩
سؤالات تمییز	١٤٠
پاسخنامه تمییز	١٤٣
منادی	١٤٥
سؤالات منادی	١٤٦
پاسخنامه منادی	١٤٨
استثناء	١٥٠
سؤالات استثناء	١٥١
پاسخنامه استثناء	١٥٣
نعت	١٥٦
سؤالات نعت	١٥٨
پاسخنامه نعت	١٥٩
إغراء و تحذیر	١٦٢
سؤالات إغراء و تحذیر	١٦٢
پاسخنامه إغراء و تحذیر	١٦٣
عدد	١٦٥
سؤالات عدد	١٦٦
پاسخنامه عدد	١٧٠
تأکید	١٧٤
سؤالات تأکید	١٧٤

۱۷۶	پاسخنامه تأکید
۱۷۸	بدل و عطف بیان
۱۷۸	سوالات بدل و عطف بیان
۱۸۰	پاسخنامه بدل و عطف بیان
۱۸۳	عطف به حرف
۱۸۳	سوالات عطف به حرف
۱۸۶	پاسخنامه عطف به حرف
۱۸۹	مدح و ذم
۱۸۹	سوالات مدح و ذم
۱۹۰	پاسخنامه مدح و ذم
۱۹۲	تعجب
۱۹۳	سوالات تعجب
۱۹۵	پاسخنامه تعجب
۱۹۹	فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۰	سوالات فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۲	پاسخنامه فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۴	ترجمه و مفهوم جمله
۲۰۶	سوالات ترجمه و مفهوم جمله
۲۱۱	پاسخنامه ترجمه و مفهوم جمله
۲۱۳	سوالات تجزیه و ترکیب، حرکت گذاری
۲۱۶	پاسخنامه تجزیه و ترکیب، حرکت گذاری



## در اهمیت

خوانندگان گرامی؛ لازم به یادآوری است که نشانه های درج شده در ابتدای هر سؤال، نشانگر درجه ی اهمیت پرسش های طرح شده است. سؤالاتی که علامت □ دارند نسبت به سایر سؤالات از بیشترین درجه ی اهمیت برخوردار هستند. این سؤالات را ممتاز می نامیم بدیهی است که سایر سؤالات از لحاظ آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به نحوی که علامت های □ □ در ابتدای سایر سؤالات به ترتیب بیانگر درجه ی اهمیت خیلی مهم و مهم هستند.

ناگفته نگذاریم که آن دسته از سؤالاتی که در ابتدای آن ها هیچ نشانه ای وجود ندارد، نسبت به سایر سؤالات از پایین ترین درجه ی اهمیت آزمونی و کاربردی برخوردارند.

## جامد و مشتق

اسم - جامد ← اسمی است که از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده است. (القلم، البيت)  
 - مشتق ← اسمی که دارای معنای وصفی باشد و در یکی از وزن‌ها بیاید.

جامد - مصدری ← اسمی که می‌توان از آن مشتق ساخت. (النصر، العلم)  
 - غیر مصدری ← اسمی که نمی‌توان از آن مشتق ساخت. (الأسد، الدار)

اسم مشتق هشت نوع دارد که در ادامه می‌آید:

- ۱- اسم فاعل ← اسمی که به انجام‌دهنده‌ی عمل اطلاق می‌شود. (عالم، معلّم)
- ۲- اسم مفعول ← اسمی که بر کسی یا چیزی که عملی بر روی آن انجام شده است اطلاق می‌گردد. (معلوم، معلّم)

✓ اسم فاعل و اسم مفعول بر اساس ریشه‌ی فعل خود به دو نوع «ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید» تقسیم می‌شوند.

در ثلاثی مجرد، اسم فاعل از ریشه‌ی «فاعل» و اسم مفعول از ریشه‌ی «مفعول» ساخته می‌شود. (عالم، ضارب، جاعل و معلوم، مضروب، مجعول)

در ثلاثی مزید، ساخت اسم فاعل و اسم مفعول چند مرحله را طی می‌کند.

- ۱- فعل مضارع ثلاثی مزید را در اولین صیغه‌ی آن انتخاب می‌کنیم. (يُحْسِنُ)
- ۲- حرف مضارعه را حذف کرده و به جای آن «میم» مضموم می‌گذاریم. (مُحْسِن)
- ۳- برای ساخت اسم فاعل، عین‌الفعل را مکسور می‌کنیم و برای ساخت اسم مفعول، عین‌الفعل را مفتوح می‌کنیم. (مُحْسِن، مُحْسَن به معنای نیکی‌کننده و نیکی شونده)
- ۳- صفت مُشَبَّه ← اسم مشتقی که بر یک صفت دلالت می‌کند و با یکی از اوزان زیر می‌آید:

فَعِيل (شریف)، فَعِيل (خشن)، فَعْل (سهل)، فَعْل (حسن)، فَعُول (رئوف)

- ۴- اسم تفضیل ← وصفی که در مقایسه با دیگری بر شیء اطلاق می‌شود و بر یکی از دو وزن ذیل می‌آید.

أَفْعَل برای مذکر (أكبر، أفضل) و فَعْلَى ← برای مؤنث می‌آید. (کبری، فُضْلَى)



۵- اسم مبالغه ← زمانی که یک صفت، بیش از اندازه در موصوف خود ظاهر شود و بر یکی از اوزان زیر می‌آید.

فَعَال (کشاف به معنای بسیار کشف کننده)، فَعَالَه (عَلامَة) و فَعُول (صبور)

۶- اسم زمان  
۷- اسم مکان

اسم زمان و مکان بر وزن «مَفْعِل» یا «مَفْعَل» می‌آید و با توجه به

کاربرد آن در جمله و معنای آن، می‌تواند اسم زمان یا اسم مکان باشد. (مَسْجِد، مَطْبِخ، مَغْرِب)

۸- اسم آلت ← اسمی است که بر ابزار دلالت می‌کند و بر سه وزن می‌آید. مِفْعَل (مِقْبِض) و مِفْعَلَة (مِسْكَنَة) و مِفْعَال (مِفْتاح)

### نکات

✓ برای تشخیص دادن جامد یا مشتق بودن یک اسم جمع، باید مفرد آن را به دست بیاوریم و بر اساس آن، جامد یا مشتق بودن را تشخیص دهیم. (مَقَاتِل جمع مَقْتَل، أَعْرَاء جمع عزیز)

✓ «خیر» مخفف کلمه‌ی «أَخِير» است و به جای آن به کار می‌رود.

✓ کلمات «جُهَال و كَفَّار و ...» جمع «جاهل، کافر و ...» هستند لذا نباید آنها را با اسم مبالغه اشتباه گرفت.

✓ کلمات «عَلِيّ، غَنِيّ، وَفِيّ، ذَكِيّ» صفت مشبّهه بر وزن فَعِيل هستند که به دلیل ادغام «لام الفعل» آن‌ها که «یاء» است. به این صورت در می‌آیند.

✓ بعضی کلمات هم‌وزن صفت مشبّهه هستند اما چون معنای وصفی و صفتی ندارند، آن‌ها را جامد می‌دانیم. (حَمْد، صَبْر)

✓ اگر صفت مشبّهه به رنگ یا عیب دلالت کند، مذکر آن بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فَعْلَاء» می‌آید. این کلمات نباید با اسم تفضیل اشتباه گرفته شوند. (أَحْمَر، حمراء، أعمى، عمياء)

### سؤالات جامد و مشتق



۱ عین ما یصاغ من فعله التفضیل علی وزن «أفعل»:

(الف) الوصول إلى الغايات السامية يحتاج إلى همّة الشخص و حمايته من

جانب الآخرين

- ب) فى الزبيع لما تصبح الطبيعة خضراء، يشفق قلب الانسان أن يتجول فيها  
ج) على الإنسان أن يشاور الخبراء حتى تزداد قدرته عند المشاكل  
د) كبر الطفل و قوى جسمه فظهرت قدرته الفكرية للجميع

٢  عین ما ليس فيه اسم الآلة:

- الف) هناك مشاهد من الحياة البسيطة فى أطراف قريتنا  
ب) هل تعلم أن القطة لها مخلب يبرز حسب إرادتها  
ج) ما أجمل المصابيح التى تبدو من بعيد ساطعة عند الليل  
د) يبلغ طول مسطرتى الكبيرة أضعاف طول مسطوة صديقتى

٣  عین الجواب الذى ما جاء فيه اسم التفضيل: (انسانى-٧٩)

- الف) أذنى / دنيا  
ب) أحسن / حُسنى  
ج) آخر / آخرة  
د) أعظم / عظمى

٤  عين الجامد:

- الف) مُفكِّرة  
ب) مُتفكِّر  
ج) فِكور  
د) فِكِر (رياضى)

٥  أى كلمة «اسم الآلة»:

- الف) ميزان  
ب) ميعاد  
ج) ميقات  
د) ميثاق (انسانى)

٦  عين الصفة المشبهة:

- الف) علام  
ب) غضبان  
ج) قَيوم  
د) كَذوب (انسانى)

٧  عین الجامد:

- الف) أُسرِع  
ب) صَدوق  
ج) كَرامة  
د) مَطار (انسانى)

٨  عين الصيغة المبالغة:

- الف) جبان  
ب) جَيِّد  
ج) صَنك  
د) ظلوم (انسانى)

٩  عین ما ليس مشتقاً:

- الف) بيضاء  
ب) عَلِيم  
ج) مُستقيم  
د) وسوسة

١٠  عین الصحيح عن «مرعى»:

(الف) اسم تفضیل  
(ب) اسم فاعل  
(ج) اسم مفعول  
(د) اسم مکان

۱۱ ما هو الصحيح عن العبارة التالية:

«المؤمن حريص على تقديم العون و المساعدة للآخرين»

(الف) المساعدة: اسم مفعول  
(ب) حريص: اسم مبالغة  
(ج) الآخرين: اسم تفضيل  
(د) المؤمن: اسم مبالغة

۱۲ أي الأسماء كلها مشتقة:

(انسانی-۸۲)

(الف) صبور- رحل  
(ب) عطشان- مقراض  
(ج) دنيا- علم  
(د) نصر- عظمی

۱۳ في أي عبارة جاء «خير» بمعنى اسم التفضيل:

(انسانی-۷۷)

(الف) بيدك الخير إنك على كل شيء قدير  
(ب) بل تُؤثرون الحياة الدنيا و الآخرة خير  
(ج) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ  
(د) وَ مَا تَعْمَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ

۱۴ عين اسم الآلة من «نضد»:

(پزشکی-۷۷)

(الف) مَنْضُودَة  
(ب) مَنْضُود  
(ج) ناضدة  
(د) مَنْضُودَة

۱۵ عين الصحيح عن «مطار»:

(الف) اسم فاعل  
(ب) اسم مفعول  
(ج) اسم الآلة  
(د) اسم مکان

۱۶ عين الصحيح عن «فدياع»:

(الف) اسم آلة  
(ب) اسم مکان  
(ج) اسم زمان  
(د) مصدر ميمي

۱۷ عين الصحيح للغرغ: «مَحَكُّ الحديد يكون.....»

(الف) المنشار (ب) المنخل (ج) بالميرد (د) بالمذباح

۱۸ أي جواب كل اسمائه جامد:

- (الف) مأوی- فرار- غضبان  
(ج) صغار- مساجد- مراعی
- (ب) صفراء- سید- صبور  
(د) خضوع- سُجون- سباحة
- عین اسم المفعول کله: ١٩ □
- (الف) موحد- مأمّن- مکرم- مقسوم  
(ج) مشکل- مرسل- مطلب- مقدر
- (ب) مقبول- مصدق- موضوع- متعلم  
(د) مرتکب- منتشر- مشغول- مشکور
- کم اسماً مشتقاً فی العبارة: «انّ مضیع أموالی قال لی: أقسمُ أمامَ  
جميع الناس أنى أرسلت لك أكثر أموالک سالمةً»
- (الف) اثنان (ب) ثلاثة (ج) أربعة (د) خمسة
- عین اسم الفاعل من المزید الثلاثی: ٢١ □
- (الف) اشتهر الکُتّاب المسلمون بکتابا تهم العلمیة و الفنیة من قديم الزمان  
(ب) كانت معنویات قوّاتنا عالیة على رغم وجود بعض الصعوبات  
(ج) إتهم ذاهبون إلى عملهم أو عائدون إلى منازلهم  
(د) الإنسان العاقل لا یضیع الوقت فی ما لا ینفعه
- (سنجش-٩١)
- «أراد الرائد أن یجرب جنوده فوضعهم فی العطش و الصعوبة» عین  
الأسماء المشتقة: ٢٢ □
- (الف) الرائد- جنود (ب) الرائد  
(ج) جنود- عطش (د) الرائد- جنود- عطش
- (سنجش-٨٥)
- «حضرتُ عند أصدقائی أسفاً و هم فرحون» کم اسماً فی العبارة: ٢٣ □
- (الف) اثنان (ب) واحد (ج) أربعة (د) ثلاثة
- (الف) الجامد: ٢٤ □
- (الف) مجلس (ب) جالس (ج) جلیس (د) جُلوس
- عین الصحيح للنوع الأسماء التالیة: «العطشان، المِظلة، البر» ٢٥ □
- (الف) صفة مشبهة- اسم مكان- مصدر  
(ب) صفة مشبهة- اسم آلة- صفة مشبهة  
(ج) صفة مشبهة- اسم آلة- مصدر

(د) مصدر - اسم آله - صفة مشبیهة

پاسخ نامه جامد و مشتق



- ۱ گزینه د صحیح است. در سه گزینه‌ی اول فعل‌ها ثلاثی مزیدند یعنی یحتاج، یشتاق و یشاور و افعال تفضیل از ثلاثی مزید ساخته نمی‌شود، ولی در گزینه‌ی د فعل «کبر» ثلاثی مجرد است که افعال تفضیل آن اکبر می‌باشد.
- ۲ گزینه الف صحیح است. در این گزینه اسم آلت نداریم. مشاهده، اسم مکان است. کلمات مخلب، مصابیح و مسطر در گزینه‌های دیگر به ترتیب اسم آلت هستند.
- ۳ گزینه ج صحیح است. کلمات در این گزینه بر وزن اسم فاعلند نه اسم تفضیل و اسم تفضیل بر وزن أفعال و مؤنث آن فُعلی می‌باشد.
- ۴ گزینه د صحیح است. فکر جامد مصدری است. به معنای فکر کردن.
- ۵ گزینه الف صحیح است. میزان اسم آلت است ⇐ ترازو/ و بقیه اسم زمان و اسم مکان می‌باشند.
- ۶ گزینه ب صحیح است. غضبان بر وزن فَعْلان است. گرچه گزینه‌ی د بر وزن صفت مشبیه یعنی فعول آمده ولی معنای صفت مشبیه ندارد و در اصل معنای صیغهی مبالغه دارد.
- ۷ گزینه ج صحیح است. چون مصدر است. همه‌ی گزینه‌ها مشتق‌اند. الف: طبق اعرابی که در سؤال آمده (أ) فعل مضارع باب افعال است یا صیغهی مجهول سیزدهم ثلاثی مجرد است. ب: صفت مشبیه است. د: اسم مکان است.
- ۸ گزینه د صحیح است. ظلوم، صیغهی مبالغه است بر وزن فَعول.
- ۹ گزینه د صحیح است. وسوسة مشتق نیست، زیرا رباعی مجرد است.
- ۱۰ گزینه د صحیح است. مرعی اسم مکان بوده زیرا به معنای چراگاه است.
- ۱۱ گزینه ج صحیح است. آخرین اسم تفضیل است و در اصل أَعْرَب بر وزن أفعال بوده است.
- ۱۲ گزینه ب صحیح است. تنها در این گزینه، تمامی موارد مشتقند، بلکه، رحل، علم و نصر جامد هستند.

- ۱۳ گزینۀ ب صحیح است. «خیر» در تمامی گزینه‌ها به معنای نیکی است. در این گزینه معنای آن «بهتر» است.
- ۱۴ گزینۀ د صحیح است. اسم آلة که یکی از وزن‌های آن مِفْعَل است، از نَضَد، منضدة است.
- ۱۵ گزینۀ د صحیح است. «مطار» بر وزن مَفْعَل و اسم مکان است.
- ۱۶ گزینۀ الف صحیح است. بر وزن مِفْعَال است. به معنای رادیو پس اسم آلت است.
- ۱۷ گزینۀ ج صحیح است. «تراشیدن آهن .....» تنها گزینۀ صحیح، مبرد که به معنای سوهان است.
- ۱۸ گزینۀ د صحیح است. خضوع، مصدر جامد. سجون به معنای زندان و سیاحت نیز مصدر جامد است.
- ۱۹ گزینۀ ب صحیح است. در تمامی گزینه‌ها یک یا دو کلمه اسم مفعولند.
- ۲۰ گزینۀ ب صحیح است. مضیع: اسم فاعل، اکثر: اسم تفضیل و سالمة اسم فاعل است. اگرچه کلمه‌ی جمیع گاهی معنای وصفی پیدا می‌کند ولی اینجا معنای وصفی ندارد و اسم مشتق نیست و از الفاظ تأکید است لذا گزینۀ صحیح ب می‌باشد.
- ۲۱ گزینۀ الف صحیح است. «المسلم»، اسم فاعل از باب افعال است.
- ۲۲ گزینۀ ب صحیح است. «رائد» اسم فاعل است. بقیه جامد هستند.
- ۲۳ گزینۀ ج صحیح است. «اصدقاء» (صدیق) صفت مشبه است. «أسف»، اسم فاعل است و فَرِح نیز صفت مشبهه است. سؤال از تعداد اسم است نه اسم مشتق، بنابراین کلمه «هم» که ضمیر غائب است نیز اسم است و گزینۀ صحیح ج می‌باشد.
- ۲۴ گزینۀ د صحیح است. جلوس مصدر ثلاثی مجرد است و جامد.
- ۲۵ گزینۀ ج صحیح است. عطشان صفت مشبه؛ «مظلة» اسم آلة به معنای چتر یا سایبان، و «بَرّ» به معنای نیکی کردن مصدر است.



## مذکر و مؤنث (جنس)

اسم  $\left( \begin{array}{l} \text{- مذکر} \\ \text{- مؤنث} \\ \text{- معنوی} \end{array} \right)$   $\left( \begin{array}{l} \text{- حقیقی} \\ \text{- معنوی} \end{array} \right)$

✓ علامت تأنیث  $\left( \begin{array}{l} \text{- ة، تاء (فاطمة)} \\ \text{- الف مقصوره (لیلی)} \\ \text{- الف ممدوده (زهراء)} \end{array} \right)$

اسمها از لحاظ جنس، به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. آنچه مهم است، تشخیص اسم‌های مؤنث است. علامت اسم‌های مؤنث یکی از این سه است که در نمودار آمده است.

✓ برخی اسم‌های مذکر وجود دارند که در انتهای آن‌ها «تاء» وجود دارد. دقت کنید که این اسم‌ها مذکر هستند ولی به آن‌ها مؤنث لفظی می‌گویند. (معاویه، حمزة)  
 ✓ الف مقصوره و ممدوده در صورتی علامت تأنیث هستند که از حروف زائد کلمه باشند نه حروف اصلی آن. (ماء، هدی، حیاء مؤنث نیستند).

اقسام مؤنث  $\left( \begin{array}{l} \text{- حقیقی ← اسمی که بر اسمی مؤنث (زن یا ماده) دلالت کند. (أم، فاطمة، بنت)} \\ \text{- مجازی ← اسمی که در حکم مؤنث است ولی حقیقتاً مؤنث نیست. (دار، شمس، صفحة)} \\ \text{- لفظی ← اسمی که بر اسمی مذکر دلالت کند، اما علامت تأنیث دارد. (طلحة، زکریاء)} \\ \text{- معنوی ← اسمی که دلالت بر مؤنث دارد ولی علامت تأنیث ندارد. (زینب، عین، طهران)} \end{array} \right)$

✓ اسم‌های مؤنث معنوی گاهی مؤنث حقیقی هستند. (زینب، اخت) و گاهی مؤنث مجازی هستند. (طهران، عین)  
 اسم‌های مؤنث معنوی پنج مصداق دارند.



- ۱- اسم‌های علم (خاص) مؤنث ← مریم، منی
  - ۲- اسم‌های مخصوص افراد مؤنث ← بنت، أم، أخت
  - ۳- اسم شهرها و کشور ← ایران، طهران، مشهد
  - ۴- بیشتر اسم‌های اعضای زوج در بدن ← عین، ید، رجل
  - ۵- برخی کلمات سماعی ← أرض، شمس، دار
- جمع‌های غیر انسان در حکم مفرد مؤنث هستند یعنی فعل برای آن‌ها باید به صورت مفرد مؤنث به کار رود. (أشجار، رسائل، کتب)

### سؤالات مذکر و مؤنث (جنس)



- ۲۶  عَيْنِ الْمُؤنَّثِ اللَّفْظِي: (انسانی-۸۴)
- الف) ایران      ب) شمس      ج) عین      د) زکریاء
- ۲۷  عَيْنِ الْمُؤنَّثِ اللَّفْظِي: (سنجش-۹۲)
- الف) تُنَوِّرُ الشَّمْسُ أَرْضَنَا فِي كُلِّ نَهَارٍ  
ب) تَعْمَلُ أُمُّ مَرْيَمَ وَ زَيْنَبُ خَارِجَ الْبَيْتِ  
ج) الْيَدُ وَ الْعَيْنُ مِنْ أَهْمِ أَعْضَاءِ جِسْمِ الْإِنْسَانِ  
د) طَلْحَةُ وَ خَمْرَةُ هُمَا صَدِيقَانِ وَفِيَّانِ
- ۲۸  عَيْنِ مَا لَيْسَ مُؤنَّثًا:
- الف) عطشى      ب) عطشان      ج) دنيا      د) بيضاء
- ۲۹  عَيْنِ فِعْلًا تَأْنِيثُهُ جَائِزٌ:
- الف) رَائِحَةُ وَرْدِ الْيَاسْمَنِ تَفُوحُ فِي الْحَدِيقَةِ صَبَاحَ كُلِّ يَوْمٍ  
ب) تَقْوَى الطَّالِبَاتِ الْقِيمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ بِعَمَلِهِنَّ لَا بِأَقْوَالِهِنَّ  
ج) الْمَعْلَمَةُ الْحَنُونُ تَرْبِي تَلْمِيذَاتِ بِلَادِهَا عَلَى الْفَضَائِلِ الْإِنْسَانِيَّةِ الْقِيَمَةِ  
د) صَبَاحَ الْيَوْمِ حَضَرَتْ فِي الْمَدْرَسَةِ الطَّالِبَاتِ الْمُجْتَهِدَاتِ إِلَّا اثْنَتَيْنِ مِنْهُنَّ
- ۳۰  عَيْنِ الْفِعْلِ يَجِبُ تَأْنِيثُهُ:
- الف) دَارِنَا تَقَعُ فِي هَذَا الشَّارِعِ الْقَرِيبِ  
ب) انْتَصَرَتِ الثَّوْرَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ بِنَصْرِ مِنَ اللَّهِ



ج) خلقت النجوم و هی مصابیح السماء  
 د) تطلع شمسنا الجميلة كل صباح من المشرق

**پایبخت نامہ مذکر و مؤنث (جنس)**



- ۲۶ گزینہ د صحیح است. (علامت تأنیث دارد بنابراین مؤنث لفظی است)
- ۲۷ گزینہ د صحیح است. مؤنث لفظی، اسم مذکری است کہ علامت تأنیث داشته باشد. طلحة، حمزة
- ۲۸ گزینہ ب صحیح است. «عطشان» مذکر است زیرا بر وزن فَعْلان است. اگر بخواهیم مؤنث شود باید نون آخر آن را برداریم: «عطشی».
- ۲۹ گزینہ د صحیح است. در این گزینہ به دلیل این کہ بین فاعل جمله یعنی «طالبات» و فعل جمله یعنی «حَصَرَتْ» فاصله افتاده است، لذا می توان فعل را مذکر و مؤنث آورد و هر دو درست است.
- ۳۰ گزینہ الف صحیح است. فاعل این جمله، ضمیر مستتر «هی» است، لذا فعل حتماً باید به صورت مؤنث بیاید. اما سایر گزینہ‌ها، چون فاعل آن‌ها اسم ظاهر و مؤنث مجازی است، لذا می توان فعل را مذکر آورد و آوردن تأنیث در فعل، وجوبی ندارد.



### مثنی و جمع (تعداد)

-	مفرد	}	اسم
-	مثنی		
-	جمع		
-	مکسر		

- ✓ هر اسمی از لحاظ تعداد به سه نوع مفرد، مثنی و جمع تقسیم می‌شود. مفرد هیچ علامتی ندارد و اگر کلمه‌ای علامت مثنی و جمع نداشته باشد، آن کلمه مفرد است.
- ✓ اسم مثنی با جمع شدن دو علامت «ان» یا «ین» در آخر کلمه به وجود می‌آید و دلالت بر دو می‌کند. (کتابان، صفحاتان، کتابین، صفحاتین)
- ✓ دو نوع اسم جمع داریم. جمع سالم و جمع مکسر یا ناسالم. جمع سالم مذکر با اضافه شدن «ون» یا «ین» به آخر کلمه مفرد ساخته می‌شود. (کتابون، کتابین)
- اما جمع سالم مؤنث با حذف حرف تأنیث «تاء» از آخر کلمه و اضافه کردن «ات» به جای آن ساخته می‌شود. (صفحات)
- ✓ دقت کنیم که ممکن است کلماتی با «ان» یا «ین» یا «ون» ختم شوند اما مثنی و جمع نباشند. (غفران، حیران)؛ لذا اسمی مثنی یا جمع است که با حذف علامت تثنیه یا جمع آن، به مفرد آن برسیم. (مسلمین، معلمین)
- ✓ برخی از جمع‌های مکسر هستند که نباید با جمع سالم مؤنث اشتباه گرفته شوند. (اموات ← جمع میت، ایبات ← جمع بیت، اوقات ← جمع وقت)
- ✓ نون مثنی و نون جمع، در هنگام مضاف شدن حذف می‌شوند. در این حالت، نوع آن را از حرکت قبل از علامت مثنی یا جمع نوع آن را تشخیص می‌دهیم. (مسلمین ← مسلمی المدینة، مسلمی المدینة)
- ✓ اسم‌هایی مانند (علیون، عالمون، اولو، أرضون، أهلون) ملحق به جمع مذکر سالم هستند.
- ✓ جمع‌های مکسر قاعده و قانون خاصی ندارند و بر وزن‌های مختلفی می‌آیند. (أفعال ← انصار و أفکار، أفعلاء ← أنبیاء و أصدقاء، فِعال ← جبال و رجال، فُعلاء ← بُخلاء و عُلماء)
- اسم‌های مکان، معمولاً بر وزن «مفاعل» جمع بسته می‌شوند. (مدرّس ← مدارس، مَعَلی ← معالی)

سؤالات مثنى و جمع (تعداد)



٣١ عَيْن ما فيه الجمع السالم للمؤنث:

- (الف) هذا افضلُ ابيات سمعته  
 (ب) هل سمعتُ أصوات الطيور في هذا الرُفَاق؟  
 (ج) هل اشتريت باغات الورد من فلاح القرية؟  
 (د) رأيتُ بيوتاً في هذا الرُفَاق

٣٢ عَيْن المفرد من «خضراوان»:

- (الف) خَضْرَاو (ب) خَضْرَاء (ج) أَخْضَر (د) خُضْرَى (انسانى)

٣٣ عَيْن المفرد من «دعاوى»:

- (الف) دَاعَى (ب) دَاعِيَة (ج) دَعْوَة (د) دَعْوَى (انسانى)

٣٤ أَى عبارة لايشتمل على الجمع المكسر:

- (الف) و قد أثبتت التجارب أن كل مائة غرام من العسل تُعطي ثلاثمائة  
 سعرة حرارية

- (ب) العسل لا يُفسد الانسان على خلاف السكريات الأخرى  
 (ج) للعسل عدّه خواص أخرى جعلته أفضل السكريات  
 (د) هذه المادة تُقدم لعضلات الجسم طاقة و نشاطاً قوياً

٣٥ عَيْن الخطاء فى التفسير:

- (الف) الدنيايا ← جمع «الدنيا» (ب) الألسن ← جمع «اللسان»  
 (ج) الدعاة ← جمع «الداعى» (د) السجون ← جمع «السجن»

٣٦ أَى جواب كل اسمائه جمع مكسر:

- (الف) الفتیان، الأمم، الاخوة (ب) الطاعات، البنات، الاصوات  
 (ج) القلوب، الجلوس، الوحوش (د) الجيران، الإيمان، الفتیان

٣٧ عَيْن الخطاء فى المفرد:

- (الف) شواغر- شاعر (ب) اصحاب- صاحب  
 (ج) رفقاء- رفيق (د) جهلة- جاهل

(انسانى-٨٠)



- ۳۸. آی جواب کل اسمائه جمع سالم مؤنث: (انسانی-۷۷)
- (الف) معلّمات- مسلمات- اوقات (ب) رسالات- مهمات- أصوات  
(ج) طالبات- مشاركات- سیارات (د) عبارات- آیات- مجاهدات

پاسخ‌نامه هفتی و جمع (تعداد)



۳۱. گزینه ج صحیح است. باقات، جمع باقة است. در سایر گزینه‌ها، ابیات، اصوات، و بیوت جمع مکسرند نه سالم.
۳۲. گزینه ب صحیح است. در اینجا «خضراء» به جمع تبدیل شده و همزه‌ی آن به واو تبدیل گشته. مثل زهراء ← زهراوات
۳۳. گزینه د صحیح است. جمع بقیه گزینه‌ها، عبارت دیگری است.
۳۴. گزینه د صحیح است. در گزینه الف، التجارب جمع مکسر است. در گزینه ب: الأستان و در گزینه ج خواص؛ جمع مکسرند ولی گزینه‌ی د کلمه عضلات جمع سالم عضلة است.
۳۵. گزینه الف صحیح است. در این گزینه، مفرد کلمه‌ی الدنایا، کلمة الدنیه است.
۳۶. گزینه الف صحیح است. در گزینه ب، الطاعات جمع سالم مؤنث برای الطاعة است، در گزینه ج، الجلوس مفرد و به معنای نشستن است. در گزینه د، الايمان مفرد است.
۳۷. گزینه الف صحیح است. مفرد شواعر، شاعرة است. در حالی که جمع مکسر برای شاعر، شعرا است.
۳۸. گزینه ج صحیح است. اوقات، در گزینه‌ی الف، أصوات در گزینه‌ی ب، و آیات در گزینه‌ی د جمع مکسر است.

## نسبت

- ✓ برای نسبت‌دادن یک اسم به جایی یا کسی یا چیزی از اسم منسوب استفاده می‌کنیم. (ایرانی، شیعی)
- ✓ برای ساخت اسم منسوب «ی» (یا مشدّد) را به انتهای کلمه مورد نظر اضافه می‌کنیم. (طهران ← طهرانّی)
- ✓ توجه شود که اسم منسوب با این مثال‌ها اشتباه گرفته نشود. (اسم مشتق ← فعلیل ← غنّی، ذکّی، اسم منقوص ← قاضی، هادی)
- ✓ اگر «تاء» در آخر کلمه‌ای وجود داشت، برای ساختن اسم منسوب، آن را از آن کلمه حذف می‌کنیم. (مکه ← مکّی)
- ✓ اسم منسوب غالباً به عنوان یک صفت، بعد از یک اسم به کار می‌رود. (رجلّ من مکّة ← رجلّ مکّی)
- ✓ بعضی از اسم‌ها برای منسوب‌شدن، تغییراتی پیدا می‌کنند. (علّی ← علّوی، موسی ← موسوی، مدینه ← مدنّی)

## سؤالات نسبت



۳۹ عین المنسوب لیس مرفوعاً:

- (الف) لا يدافع الجنديّ البطل عن أراضي إلا بروحه
- (ب) أحبّ الليالي التي أشعّت القمر الفضيّة فيها أكثر جمالاً
- (ج) التّملة كأنّها مهندسة معماريّة تبني بنفسها القلاع و الحصون تحت الأرض
- (د) مع التّكاسل الذي أراه في أداء واجباتك المدرسيّة، ستكون أيام السنّة الدّراسيّة صعبة لك.

۴۰ عین الخطأ فی النسبة: (انسانی-۹۲)

- (الف) سكبّت شايًا حارًا ذهبيّة اللون لضيوفنا
- (ب) كتبتنا تحقيقاً صحفياً عمّا شاهدناه لاصدقائنا
- (ج) لدنيا أخبار مؤكّدة بأنّ هذا الطريق الصحراويّ طريق أمن.
- (د) ذهبنا إلى السّوق مع أمنا بعه فراغنا من الأعمال المدرسيّة

٤١ عَيْنُ الْخَطَأِ (فِي الْاسْمِ الْمُنْسُوبِ): (انسانی-٩١)

- (الف) لَنَازِمِيلَةَ ظَاهِرِهَا غَرِيبَةً وَ لَكِنَّ فِكْرَهَا شَرْقِيَّةً  
 (ب) هَذَا الْأُسْتَاذُ مِنْ أَسْلِ مِصْرٍ وَ لَكِنَّ أُسْرَتَهُ لِبْنَانِيَّةً  
 (ج) كَانَتْ هَذِهِ الْعَالِمَةُ أَصْفَهَانِيَّةً الْمَوْطِنُ وَ شِيرَازِيَّةً الْمَدْفِنُ  
 (د) إِنَّهُ مِنْ عِظْمَاءِ الْإِسْلَامِ فِي الْعُلُومِ وَ الْفُنُونِ وَ هُوَ إِيرَانِيٌّ أَسْلُ

٤٢ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ:

- (الف) هُوَ إِنْسَانٌ سَمَاوِيٌّ وَ تَعَالِيْمُهُ نَبَوِيَّةً  
 (ب) أَنْتَ الرَّاضِي عَنْ ذَلِكَ الدَّاعِي  
 (ج) اِهْتِمَامِي بِعَمَلِي قَدْ رَفَعَنِي فِي حَيَاتِي  
 (د) هَذَا الْغَنِيُّ هُوَ السَّاعِي فِي عَمَلِهِ

٤٣ عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ الْاسْمِ الْمُنْسُوبِ:

- (الف) الْحُجُّ فَرِيضَةٌ إِلَهِيَّةٌ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقُومَ بِهَا  
 (ب) اشْتَرَيْتُ مِنَ السُّوقِ قَدْحًا زَجَاجِيَّةً  
 (ج) أَيَّامَ الدَّرَاسَةِ فَرِصَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لَكُمْ، فَانْتَهَزُوا  
 (د) خَذْ هَذِهِ الْوَسَادَةَ الْقَطْنِيَّةَ وَ نَمِ عَلَيْهَا

٤٤ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ لـ «كَمِينِ الْعَسْكَرِ» (انسانی-٧٦)

- (الف) الْكَمِينِ الْعَسْكَرِيُّ      (ب) الْكَمِينِيُّ الْعَسْكَرِيُّ  
 (ج) الْعَسْكَرِيُّ الْكَمِينِيُّ      (د) كَمِينِ الْعَسْكَرِيُّ

٤٥ مَيِّزُ «أَسْلُوبِ النِّسْبَةِ» لِلْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ: «أَخْطَاءُ مَنْسُوبَةٌ إِلَى الْمَطْبَعَةِ»

(انسانی-٧٥)

- (الف) خَطَأٌ مَطْبَعِيٌّ      (ب) خَطَأٌ مَطْبَعِيَّةً  
 (ج) أَخْطَاءٌ مَطْبَعِيٌّ      (د) أَخْطَاءُ مَطْبَعِيَّةً

٤٦ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ الصَّحِيحِ لـ «رِضَا»:

- (الف) رِضَى      (ب) رِضَائِي      (ج) رِضَاوِي      (د) رِضَوِي

٤٧ «يَمْنَعُ الْإِسْلَامُ لِبَسِ ..... لِلرَّجُلِ» عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: (سَنَجَش-٨٤)

- (الف) الْأَلْبِسَةُ الْحَرِيرِيَّةُ      (ب) الثُّوبُ الْحَرِيرِيُّ



(د) الثوب من الحرير	(ج) الألبسة الحريرى
(ب) أجنبيّ - قوميّ - عليّ	(الف) ايرانى - أثريّ - إلهيّ
(د) ذريّ - عائليّ - إسلاميّ	(ج) حراريّ - فارسيّ - شيرازيّ

پاسخ نامه نسبت

۳۹ ▶ **گزینه د صحیح است.** در گزینه الف کلمه «الجدى» اسم منسوب است و فاعل و مرفوع می‌باشد. گزینه «ب» کلمه «اللّیالی» اصلاً منسوب نیست ولی کلمه «الفصیّة» منسوب ولی مرفوع است، صفت «اشعّة» نیز مرفوع است. در گزینه ج کلمه «معماریّة» اسم منسوب است و مرفوع. اما در گزینه د کلمه «المدرسیّة» صفت است برای واجبات؛ لذا مجرور است. «الدراسیّة» نیز صفت است برای «السنة» و لذا این کلمه نیز مجرور است.

۴۰ ▶ **گزینه الف صحیح است.** صفت باید در جنس، تابع موصوف باشد، در اینجا نیز «ذهبیّة» نباید به صورت مؤنث بیاید زیرا موصوف آن یعنی شای مذکر است.

۴۱ ▶ **گزینه الف صحیح است.** در این عبارت کلمه‌ی غربی خبر برای ظاهر و شرقی خبر برای فکر است و چون خبر در جنس باید با مبتدا یا اسم خود متناسب باشد لذا در اینجا باید به صورت مذکر بیایند نه مؤنث.

۴۲ ▶ **گزینه الف صحیح است.** کلمات «سماویّ» و «نبویّ» اسم منسوب هستند و در سایر گزینه‌ها به ترتیب، (راضی، داعی) اسم منقوص، (اهتمامی - عملی - حیاتی) اسم مضاف به «ی» و «الغنی» صفت مشبّهه و (ساعی) اسم منقوص است.

۴۳ ▶ **گزینه ب صحیح است.** معمولاً اسم‌های منسوب، نقش صفت را دارند و گفته شد که موصوف و صفت نیز باید در جنس، عدد، معرفه و نکره با یک‌دیگر برابر باشند. لذا می‌شود: «قدحاً زجاجیّاً» نه «زجاجیّة»

۴۴ ▶ **گزینه الف صحیح است.** اسم منسوب غالباً برای اسم ما قبل خود صفت یا نعت است؛ به همین جهت چون «العسکریّ» معرفه است، اسم ما قبل آن نیز باید به صورت معرفه بیاید و در گزینه‌های «ب» و «ج» کلمه «الکمین» نباید منسوب

بیاید؛ به معنی «کمین نظامی» است.

- ۴۵ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم منسوب غالباً صفت است و باید تابع موصوف خود باشد. در اینجا «اخطاء» جمع غیر انسان و در حکم مفرد مؤنث است. بنابراین صفت یا اسم منسوب آن نیز باید مفرد مؤنث باشد.
- ۴۶ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم‌هایی که به حرف‌های «ی، ا» ختم می‌شوند، هنگام تبدیل به اسم منسوب ابتدا حرف آخر آن‌ها به «واو» تبدیل می‌شود و سپس «یاء» مشدد اسم منسوب را می‌افزایند. «رضا» می‌شود «رضوی»
- ۴۷ ▶ **گزینه ج صحیح است.** «الألبسة» جمع غیر انسان است و در حکم مفرد مؤنث است بنابراین صفت آن باید به صورت مؤنث یعنی «الحریریة» ظاهر شود.
- ۴۸ ▶ **گزینه ب صحیح است.** «علی» در گزینه ب باید به صورت «عَلَوی» بیاید زیرا می‌دانیم که برخی اسم‌ها در هنگام منسوب شدن تغییر مختصری می‌کنند.

### مصغّر

برای تحقیر و کوچک جلوه‌دادن شخصی یا چیزی از اسم مصغّر استفاده می‌کنیم.

(فارسی ← مردک، طفلک)

(عربی ← طُفیل، رُجیل)

به مثال‌های زیر توجه فرمایید:

شُجیرَة ← شجرة صغيرة / طُفیل ← طفلٌ صغيرٌ

✓ مراحل ساختن اسم مصغّر:

۱- حرف اول اسم را مضموم می‌کنیم.

۲- حروف دوم اسم را مفتوح می‌کنیم.

۳- سپس حرف «ی» را اضافه می‌کنیم. (عبد ← عبید، جبل ← جُبیل)

✓ اسم‌هایی که در آخر آن‌ها «تاء» تأنیث آمده است برای تصغیر، بروزن «فُعَيْلَة»

می‌آیند. (عَلَبَة ← عُلَيْبَة)

### سؤالات مصغّر



۴۹ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّصْغِيرِ:

(الف) قالت لطفلها الصَّغِيرِ: يا طفيلتي أُحْبِك كثيرًا

(ب) قطعنا مسافة و وصلنا إلى البيت قبيل المساء

(ج) شاهدنا وُلدًا يسير قرب تلك الشجيرة حافيًا

(د) أصيب هذا المريض يُجريح و سال منه دمٌ كثير

۵۰ عَيْنُ مَا يَرَادُ مِنَ الْمَصْغَرِّ تَحْقِيرُ شَأْنِهِ: (انسانی-۹۲)

(الف) يا طفيلي؛ احفظ نفسك من السَّقُوطِ فِي الْمَهَالِكِ

(ب) جاء أخى الحسين و سلّم على أبونا و حبس مؤدّبًا

(ج) يعبد بعض الناس فى العالم شجيرة الغىّ بدلاً من عبادة الله

(د) قالت أختى لوليدها: عزيزى؛ انت قادر على التقدم فى أعمالك

۵۱ عَيْنُ مَا يَرَادُ مِنَ الْمَصْغَرِّ تَحْبِيبُ شَأْنِهِ:



- (الف) هذه الشويكة تؤذيني فأخرجها من يدي  
 (ب) حبذا هذه البئبة التي تعمل أمورها وحيدة  
 (ج) أبعد هذه الحجيرات من طريقنا لكي نتحرك سريعاً  
 (د) ليت ذلك العبيد يُنفق من ماله الكثير شيئاً

۵۲ □ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّصْغِيرِ:

- (الف) قد يُستعمل حجير ملون في بناء الأبنية  
 (ب) الشجيرات لا تُقاوم في الجو الحارّ غالباً  
 (ج) رأينا في نهيرة أسماكاً صغيرة فلم لضدها  
 (د) وصلتُ إلى المدرسة قبيل أن يُدقّ الجرس

۵۳ □ مَبْزُ الْمَصْغَرِ لـ «عَلْبَة»

- (الف) عَلِيب (ب) عَلِيبَة (ج) عُبَيْلَة (د) عَلِيبَة

۵۴ □ مَبْزُ الْمَصْغَرِ لـ «فَضْل»

- (الف) فضول (ب) فَضِيل (ج) فَضِيل (د) فَضِيل

۵۵ □ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّصْغِيرِ:

- (الف) شَمْسٌ ⇨ شُمَيْس (ب) شَجْرَةٌ ⇨ شُجَيْرَة  
 (ج) حَسَنٌ ⇨ حُسَيْن (د) أُذُنٌ ⇨ أُذَيْنَة

### پاسخ‌نامه مصغر



۴۹ ▶ **گزینه الف صحیح است.** برای مضر کردن اسامی باید به جنس آنها وفادار بود لذا در این گزینه «طفل» که مذکر است به صورت مؤنث «طفیلة» مضر شده است که این اشتباه است.

۵۰ ▶ **گزینه ج صحیح است.** با ترجمه گزینه سوم به تحقیری که در معنای آن وجود دارد پی می‌بریم. «برخی مردم در دنیا درختچه‌ی گمراهی را به جای عبادت خداوند می‌پرستند» لذا این گزینه صحیح است.

۵۱ ▶ **گزینه ب صحیح است.** باید به ترجمه گزینه‌ها دقت کرد. ترجمه گزینه الف می‌شود: «این خار کوچک مرا آزار می‌دهد»

ترجمه گزینه ب می‌شود: «چه خوب است این دختر کوچکی که ..... که معنای

محبت از آن مراد است.

ترجمه گزینه ج و د به ترتیب می‌شود: «دور کن این سنگریزه را .....» و «ای کاش آن بنده‌ی کوچک.....»

۵۲ ▶ **گزینه ج صحیح است.** کلمه نهر به معنای «رودخانه» است که اسم مصغّر آن می‌شود. «نَهْرٌ» به معنای «رودخانه کوچک». اما در سایر گزینه‌ها مصغّر «حجر» می‌شود «حُجِرٌ» مصغّر «الشجرة» می‌شود «الشجيرة» که جمع مؤنث سالم آن می‌شود «الشجيرات» و مصغّر «قبل» می‌شود «قَبِيلٌ».

۵۳ ▶ **گزینه د صحیح است.** همانطور که می‌دانیم اسم‌هایی که آخر آن‌ها با «ة» است، اسم مصغّر آن‌ها بر وزن «فَعِيلَةٌ» است. مانند عَلِيَّةٌ «که اسم مصغّر «علبة» است.

۵۴ ▶ **گزینه ج صحیح است.** قبلاً بیان شد که اسامی مصغّر بر وزن «فَعِيلٌ» می‌آیند. مانند «فُضِّلٌ» که می‌شود «فُضِيلٌ»

۵۵ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم مصغّر «أذن» می‌شود «أذِنٌ» و باید به جنس اسامی به معنای مذکر و مؤنث بودن آنها در ساخت حالت تصغیر اسامی وفادار بود.



### معرفه و نکره

اسم  $\left\{ \begin{array}{l} \text{- نکره} \\ \text{- معرفه} \end{array} \right.$

اسم‌ها از لحاظ شناخت قبلی به دو دسته معرفه و نکره تقسیم می‌شوند. اسم‌های معرفه ۶ مورد هستند. برای مثال می‌گوییم «آن مرد آمد». آن مرد به جهت اشاره‌ای که به او شده است برای ما آشناست اما اسم‌های نکره که شامل غیر از آن ۶ مورد هستند اسم‌هایی است که نسبت به آنها هیچ‌گونه آشنایی وجود ندارد مانند اینکه بگوییم «مردی آمد»

✓ اسم‌های معرفه ۶ مورد هستند.

۱- اسم علم یا همان اسم خاص ← (علی، حسن، مریم، کعبه، جواد)

۲- اسم ضمیر ← (هم، هو، ها، ایاک)

۳- اسم اشاره ← (هَذَا، هَاتَانِ، ذَلِكْ، تَلِكْ)

۴- اسم موصول ← (الَّذِي، الَّتِي، هُوَآءِ)

۵- اسم‌هایی که در ابتدای آن‌ها «ال» می‌آید. ← (الكتاب، الرجل)

۶- اسم‌های مضافی که به یک اسم معرفه اضافه شده‌اند. ← (عَالِمُ الْمَدِينَةِ، كِتَابُ عَلِيٍّ)  
✓ در مورد قسمت آخر باید توجه کرد که اسم نکره حتماً باید به یک اسم معرفه اضافه شده باشد. اگر به یک نکره اضافه شود، هر دو نکره خواهند بود، (كُلُّ يَوْمٍ)، اما اگر به معرفه اضافه شود، این اضافه موجب معرفه شدن آن نکره خواهد بود؛ (بَلَدِي)

✓ «ما» و «من» تنها در صورتی معرفه هستند که از نوع موصول باشند. این‌ها می‌توانند به عنوان یکی از این چهار مورد زیر بیایند:

۱- موصوله ← در این صورت، بعد از آن‌ها جمله یا شبه‌جمله‌ای وجود دارد که آن‌ها را توضیح می‌دهد. (يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ)

۲- شرطیه ← دو فعل پس از آن می‌آیند و هر دو مجزوم هستند. (مَنْ يَصْبِرْ يَظْفِرْ)

۳- استفهامیه ← معمولاً در ابتدای جمله می‌آیند. (مَنْ يَصْبِرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ)

۴- نافییه ← همیشه قبل از یک فعل ماضی می‌آید و آن فعل را منفی می‌کند. (مَا سَمِعَ)